

اندیشه



گفت‌وگو با فرزین وحدت:

نهادینه‌شدن عدالت و آزادی، سوخت‌وسوز ندارد

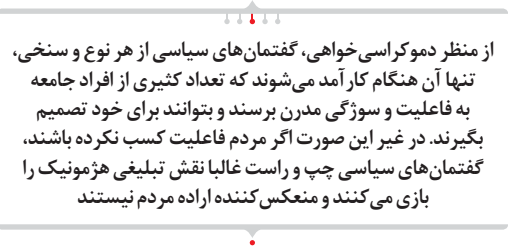
هر گونه نتیجه اجتناب‌ناپذیر از نقد وضع کنونی، اگر بدون توسل به عرصه خرد جمعی و مردم‌سالاری و فاعلیت سوزوه سیاسی تجربه شود، شاید تنها تحت تکرار یک عنوان باشد: «مدیریت» مسلما مهم‌ترین پرسش در عصری شکل می‌گیرد که در آن شاهد تلاشی سرسختانه برای پر کردن فاصله‌ای هستیم که سرانجام به نفی شهروندان می‌انجامد. جایگاهی که می‌توان آن را با نام سیاست گره زد. سیاستی متکی بر اصل تحقق سوزوه سیاسی.

تو گویی در یک لحظه (moment) تاریخی کنش و تفکر می‌تواند در هیات سوزوه سیاسی و شهروندان فاعلیت یافته یکی شود. آیا این لحظه انتخابات است؟ امکانی در دل وضعیتی که چالش بر سر آن یقینا مهم‌ترین پرسش امروز کشور و جهان ماست؟ سیاست به‌معنای عرصه حضور همگان می‌تواند با انتخابات گره بخورد؟ بر این اساس آیا می‌توان مشارکت در عرصه عمومی و تصمیم‌گیری

خوبشتن را رها کند و این به‌صورت بی‌علاقگی و لاقیدی خود را بنمایاند. اما در شرایط فشار این علایم تنها سطحی و ظاهری هستند و با تغییر شرایط و کم‌شدن فشار ورق برمی‌گردد. فردی که خود را صاحب قدرت، فاعلیت، عاملیت و حقوق می‌پندارد، ممکن است در شرایط سخت، عقب‌بنشیند و تنها نظاره‌گر باشد، اما در شرایط مناسب‌تر از خود ابتکار عمل نشان خواهد داد. هنگامی که حس فاعلیت و سوزگی در ذهن افراد شکل گرفت، با هیچ اهرم و ترفندی نمی‌توان آن را محو کرد.

❧ **بر این اساس آیا می‌توان مدعی شد که مساله شرکت در انتخابات را باید تنها با پسوند سیاسی خواند؟ یعنی انتخابات سیاسی؟**
سیاستی که با فاصله‌گیری از هر گونه قدرت شکل می‌گیرد.

فرد سوزوه و فاعل، خودش تشخیص می‌دهد که تحت چه شرایطی در امور سیاسی شرکت کند یا نکند. فردی که خودبنیاد است بهتر از هر کسی این قدرت تشخیص را دارد.



❧ **از منظر دموکراسی خواهی، گفتمان‌های سیاسی از هر نوع و سنجی، تنها آن هنگام کارآمد می‌شوند که تعداد کثیری از افراد جامعه به فاعلیت و سوزگی مدرن برسند و بتوانند برای خود تصمیم بگیرند. در غیر این صورت اگر مردم فاعلیت کسب نکرده باشند، گفتمان‌های سیاسی چپ و راست غالباً نقش تبلیغی هژمونیک را بازی می‌کنند و منعکس‌کننده اراده مردم نیستند**

❧ **به این ترتیب آیا می‌توان تعبیر «رسطو» از شهروند را به‌عنوان کسی که در امر حکمرانی و امر تحت حکمرانی سهیم است، با مفهوم سیاست گره زد؟**

در دوران مدرن، سیاست به جز آنچه شما می‌گویید نمی‌تواند باشد. فردی که خود را خوداری، خودبنیاد، پرتوان، دارای اراده و ذی‌حق می‌پندارد، ناگزیر خود را سهیم در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه خویش تصور می‌کند. در دوران مدرن تعریف سیاست می‌شود سهیم شدن شهروندان در تعیین سرنوشت زندگانی خویش که شامل حوزه‌های بالا می‌شود.

❧ **نسبت سیاست با هویت، سنت، باورها و ویژگی‌های قومی، جنسی و طبقاتی چیست؟ و چگونه می‌توان عرصه سیاست را فراتر از همه اینها به برابری و آزادی و عدالت و در نهایت دموکراسی گره زد؟**

اگر به‌صورت نظری نگاه کنیم، انسان مدرن به فاعلیت رسیده که آن فاعلیت را نه‌تنها برای خود بلکه برای همگان می‌خواهد، از قید و بندهای قومی، نژادی، طبقاتی و جنسی رها شده است. به عبارت دیگر فرد انسانی که به درجه مطلوب سوزگی و «ذهنیت» در اصطلاح فلسفی رسیده باشد و از آن نیز فراتر رفته باشد و اصول «بین‌الادھانی» ملکه ذهنش شده باشد، به اصل انسانیت دست یازیده و از این نظر دیگر خود را موجودی زاینده قوم، عقیده، جنسیت و دیگر مقولات تاریخی نمی‌شناسد. و هنگامی که در جامعه‌ای اصول «بین‌الادھانی» یا فاعلیت همگانی جا بیفتد، آزادی، عدالت و دموکراسی نیز در آن نهادینه خواهد شد. البته این تعابیر مصادق نمونه ناب و آرمانی «ماکس‌وبر» هستند و در واقعیت چنین به‌صورت خالص یافت نمی‌شوند. اما واقعیت را می‌توان به نمونه ناب نزدیک کرد.

❧ **در شرایط جهانی کنونی که تحت سلطه مکانیسم‌های قدرت و ثروت است چگونه می‌توان همچنان از ایده آزادی و برابری دفاع کرد. در مورد**

جمعی را فراتر از لحظه انتخابات برد؟ چهارسال یک‌بار پای صندوق رای حاضر شدن؟ اینها همه سوالاتی است که ورای بحث‌های سیاسی روز نیازمند تحلیل نظری- تاریخی است. جامعه‌ای در کش و قوس و پر تلاطم که روزهای خطیری را از سر می‌گذراند.

اینها سوالات و دغدغه‌هایی است که در گفت‌وگو با «فرزین وحدت» مطرح کرده‌ایم. فرزین وحدت جامعه‌شناس است و درباره مدرنیته و رابطه آن با ایران و دنیای اسلام پژوهش می‌کند. از وی کتاب «واریوایی فکری ایران با مدیریت» با ترجمه «مهدی حقیقت‌خواه» توسط انتشارات «ققنوس» منتشر شده است. به زودی نیز کتاب جدید وی در مورد جهان اسلام معاصر و مدرنیته به انگلیسی منتشر خواهد شد. او در دانشگاه‌های تافتن، هاروارد و بیل و کالج «وسار» نیویورک تدریس کرده و هم‌اکنون نیز در این کالج مشغول تحقیق است.

❧ **کشور خودمان تا چه حد این مساله با انتخابات گره می‌خورد؟**
همان‌طوری که «یورگن هابرماس» در گفتمان خود تأکید می‌کند، سامانه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در یک جامعه، فاعلیت، «ذهنیت» و اصول «بین‌الادھانی»‌ها را مورد مخاطره و امحاق‌ر می‌دهند. سیاست دوران مدرن، همان‌طور که اشاره شد، عرصه تفکر، خردورزی و تعامل افراد خوداری و خودبنیاد است. تحت شرایط سامانه‌ای فرهنگ و سیاست، اسابن خودمختاری فرد و در پی آن دموکراسی متزلزل می‌شود. در دهه‌های اخیر ما شاهد چنین ماجرابی در کشورهایی که سابقه طولانی در دموکراسی دارند، بوده‌ایم.

❧ **اگر سیاست را همچون خطی تصور کنیم که از میان هر یک از ما گذر کرده و انسان را به‌عنوان جانوری سیاسی از دیگر حیوانات جدا می‌کند و از سوی دیگر اگر بتوانیم سیاست را مانند عرصه‌ای برای حضور و ظهور رخداد سیاسی تصور کنیم، پیامد سیاست در لحظه انتخابات چه خواهد بود؟**

اگر سیاست را به‌صورتی که در بالا آمد بفهمیم، یعنی عرصه تفکر و تعامل افراد که به فاعلیت و ذهنیت همگانی شده یا وضعیت بین‌الادھانی رسیده‌اند، به‌راحتی می‌توانیم از تعبیری که شما در اینجا به کار می‌برید استفاده کنیم: خطی که از میان هر یک از ما، یعنی از هر فرد، گذر می‌کند و ما را در سهیم شدن در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود به هم متصل می‌کند یا حتی پیوند می‌زند، یعنی حالت و وضعیت فاعلیت همگانی‌شده.

❧ **با این اوصاف، آیا انتخابات فقط صحنه تلاش برای تعویض جایگاه یک فرد است، یعنی شعار برای تغییر، نگریرستن به آینده در راستای حل مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که همگی می‌تواند در غیاب سوزوه سیاسی صورت پذیرد؟ در عبارت دیگر، آنچه این روزها تحت «مدیریت» بیان می‌شود؟**

اگر بپذیریم که در شرایط بسته امکان حرکت وجود ندارد، در کوتاه‌مدت مسلما تغییر به حالت بهتر نیز متعنت به‌نظر می‌رسد. اما طرّفه اینجاست که سیاست به معنی مدرن آن که در بالا به آن اشاره شد تا حد زیادی جا افتاده است. تعداد کثیری از افراد و احاد به حس سوزوگی دست یافته‌اند و بالقوه می‌توانند در عرصه عمل سیاسی وارد شوند و در راه رفع مشکلات و هموارسازی جاده تغییرات مثبت سهیم شوند. این در حالی است که شرایط کنونی بیشتر حاکی از قصد «مدیریت» است. اما به دلیل پیدایش همان حس فاعلیت در بدن جامعه، شرایط همواره یکسان نمی‌تواند بماند. بخش مهمی از بطن جامعه به واسطه حس فاعلیت به حرکت در آمده و سیال است.

❧ **جامعه ایران در آستانه تحولات بزرگی است و در چهارسال گذشته نیز تجربیات تلخ و شیرینی را پشت‌سر گذاشته. ارزیابی‌تان از میزان تحرک‌پذیری جامعه چیست؟**

به گمان من، از یک‌طرف بخش خاموش تا حدودی دلسرد است و از طرف دیگر دل‌نگران اوضاع معیشت و فشارهای خارجی. در ذهن بسیاری رخدادهای سیاسی پیشین نیز، هم مایه امیدواری است و هم باعث یأس و نومیدی. امیدواری از آن جهت که برای مدتی نسبتا طولانی بخش‌های مهمی از مردم به قدرت و خرد جمعی خود پی بردند و فاعلیت فردی خود را در حرکت جمعی ادغام کردند. به‌نظر من این دو عامل یعنی دلسردی و دل‌نگرانی از یک طرف و تجربه مثبت و منفی از گذشته از طرف دیگر، معادلات را می‌تواند پیچیده کند. بسیاری دودل هستند، ولی با پشتوانه‌ای از تجربه کردن حس فاعلیت خود، هرچند که هنوز میوه آن را مزه نکرده‌اند. اما نباید فراموش کرد که فرایند تثبیت فاعلیت همگانی و به همراه آن نهادینه‌شدن آزادی و عدالت ممکن است دیر و زود داشته باشد، اما سوخت و سوز ندارد.

عطف

فلسفه تکنولوژی تکنولوژی در متن پدیدارشناسی

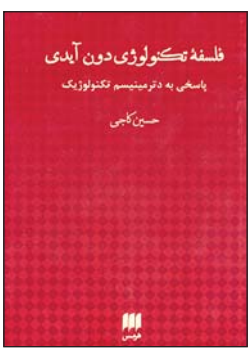
عمده مخاطبان ایرانی مساله تکنولوژی و پرسشش از آن را با نام مارتین هایدگر، می‌شناسند. مقاله مهم او با عنوان پرسش از تکنولوژی، که پیش از این با ترجمه شاپور اعتماد در فصلنامه ارغنون چاپ شده است، در دوره‌های مختلف میان طیف‌های گوناگون متفکران، بحث‌های جدی را به راه انداخته است. از جمله این متفکران دون آیدی فیلسوف آمریکایی است.

کتاب او، تکنیک و پراکسیس، فلسفه تکنولوژی که در سال ۱۹۷۹ چاپ شد، به عنوان نخستین متن فلسفه تکنولوژی در آمریکای شمالی شناخته می‌شود. از جمله کتاب‌های این فیلسوف آمریکایی می‌توان پیامدهای پدیدارشناسی، پساپدیدارشناسی مقالاتی در زمینه پستمدرن، فلسفه تکنولوژی و بدن‌ها در تکنولوژی را نام برد.

کتاب فلسفه تکنولوژی دون آیدی به قلم حسین کاجی در واقع تلاشی است برای پاسخ به دترمینیسم تکنولوژیک از خلال اندیشه فیلسوف آمریکایی. کاجی بر این باور است که تلاات نظری در مورد تکنولوژی به دلایل مختلف در ایران مورد توجه قرار نگرفته‌اند. به زعم او دلیل عمده این مشکل برمی‌گردد به اینکه نخبران ایرانی عموماً تکنولوژی را علم کاربردی تعریف کرده و تصور کرده‌اند که تامل نظری درباره علم، ناگزیر ما را با قواعد و قوانین حاکم بر تکنولوژی هم آشنا می‌کند. یعنی تکنولوژی صرفاً کاربِرد علم در ساحت‌ها و گستره‌های مختلف است. غافل از آنکه، هر چند نسبتی تدرتو و نزدیک میان علم و تکنولوژی در طول تاریخ بشری – به خصوص در جهان جدید – وجود داشته است، علم و تکنولوژی از هم مستقل هستند و باید به صورت مجزا و مستقل بررسی شوند.

مساله کاجی در این کتاب میزان کامیابی و ناکامی فلسفه تکنولوژی دون آیدی در مواجهه با آموزه دترمینیسم تکنولوژیک است. خوانش و تفسیر نویسنده از پساپدیدارشناسی تکنیک آیدی آن است که این فلسفه با توجه به موضعی که در مقابل مفهوم دترمینیسم تکنولوژیک می‌گیرد، هویت و قوام می‌یابد. آیدی در صد است با ابزار پدیدارشناسی به خصم دترمینیسم تکنولوژیک بتازد. کاجی در این کتاب به کامیابی‌ها و ناکامی‌های آیدی در این رویارویی می‌پردازد – تصوری از حد و مرزهای فلسفه تکنولوژی وی در مواجهه با این مانع به دست می‌دهد. او نشان می‌دهد مثنی آیدی به چه معنا غیردترمینیستی است و به چه معنا به تقریری خاص از دترمینیسم تکنولوژیک نزدیک می‌شود. در این میان کاجی به تبعات و الزامات پساپدیدارشناسی آیدی در رویارویی با آموزه دترمینیسم تکنولوژیک نیز توجه دارد. کتاب فلسفه تکنولوژی دون آیدی توسط نشر هرمس چاپ شده است.

مترجم در پیشگفتار این کتاب می‌نویسد: «تامل‌های نظری در مورد تکنولوژی سه دلیل مختلف در ایران‌زمین رشدی نداشته است. به نظر من مهم‌ترین دلیل این مشکل بر می‌گردد به این‌که نخبران فکری ما عموماً تکنولوژی را علم کاربردی تعریف کرده و تصور کرده‌اند که تامل نظری در باب علم ناگزیر ما را با قواعد و قوانین حاکم بر تکنولوژی هم آشنا می‌کند.»



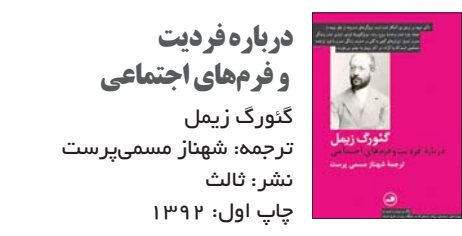
فلسفه تکنولوژی دون آیدی حسین کاجی نشر هرمس نوبت چاپ ۱۳۹۲ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

فلسه درباره کتاب فردیت و فرم‌های اجتماعی نظر به پرداز ستیزه محمدرضا بر قعی

همان‌طور که از عنوان کتاب مشخص است مباحث مورد بررسی در آن حول محور فردیت و چگونگی آن و همچنین رابطه فردیت با جامعه پیرامونی شکل‌یافتگی فرم‌های شخصیتی و اجتماعی است. اما پیش از هر چیزی نویسنده تلاش کرده تا بحران اساسی درمورد زیمِل که همان انتقادات معروف همیشگی نسبت به اوست را پاسخ گوید تا حس اعتماد و بی‌طرفی نسبت به مطالب مورد بحث و حتی شخصیت زیمِل ایجاد کند. به نظر می‌رسد با انتخاب صحیح و مطالعه دقیق زیمِل، نویسنده تا حد زیادی موفق شده این کار را انجام دهد. ترجمه کتاب در عین روانی و رسایی از دقت بالایی نیز برخوردار است و ربط منطقی میان نظریات زیمِل را به خوبی حفظ کرده و حتی پیچیدگی‌های نظری نیز باعث ایجاد گسست در بخش‌های مختلف کتاب نمی‌شود.

زیمِل یکی از جامعه‌شناسانی است که به‌رغم دست‌آوردهایی که در زمینه حل مشکلات فلسفی-شناختی در علوم اجتماعی و همچنین تبدیل جامعه‌شناسی به علمی که امروزه می‌شناسیم داشته است؛ با اقبال روبه‌رو نشد. انتقادات بسیاری به زیمِل وارد شده است. حتی زندگی شخصی وی نیز از این دست انتقادات کلیشه‌ای دور نمانده. دونالد لوین استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیکاگو سعی کرده تا با جمع‌آوری و ترجمه آثار زیمِل ابتدا این انتقادات را برشمارد و به برخی از آنها نیز پاسخ دهد. او با ریشه‌یابی نظریات زیمِل و محاسبه میزان تأثیرگذاری او بر اندیشمندان پس از خودش یک دید بدون پیشداوری در اختیار خواننده قرار می‌دهد. لوین مهم‌ترین این انتقادات را بیان می‌کند: زیمِل از فیلسوفی مانند کلت متاثر نیست، کار او در سه مرحله کاملاً متمایز رشد کرده است، او نفوذ زیادی بر اندیشه قرن ۲۰ اعمال نکرده است، او درگیر مسایل اجتماعی نبوده است، در بهترین حالت او یک طفیلی و در بدترین حالت یک ایدئولوگ بورژوا بوده است، او را باید نظریه‌پرداز فایده‌گرایی دانست، او اساساً نظریه‌پرداز ستیزه (کارکردگرایانه) است، او نظریه‌پرداز بیگانگی (مارکسی) است و در نهایت استیجاب و وحدتی در اندیشه او نیست. لوین در مقدمه کتاب سعی می‌کند به این نقدها جواب دهد. بعد از مقدمه لوین، کتاب به بررسی مساله فردیت و فرم‌های اجتماعی در نگاه زیمِل می‌پردازد. زیمِل با بیان چگونگی امکان اجتماع و تعاملات اجتماعی به دستبندی فرم‌های تعاملات اجتماعی، تیپ‌های اجتماعی و فرم‌های فردیت دست می‌زند. از طریق همین دستبندی است که وی سعی می‌کند رابطه میان فردیت و اجتماع را چه در گذشته و چه در جامعه مدرن توضیح دهد. یکی از اثرگذارترین و همچنین دقیق‌ترین مباحث زیمِل درمورد فرم‌های تعامل اجتماعی، بحث درمورد فرم تعلّم «ستیزه» است. زیمِل معتقد است ستیزه طراخی می‌شود تا دو گانگی‌های متباین را برطرف کند. ستیزه شیوه‌ای برای رسیدن به وحدت است، حتی اگر از طریق معذوم کردن یکی از طرفین ستیزه این امر محقق شود. این یک واقعیت است که حادث‌ترین علایم بیماری نشان‌دهنده تلاش از گلیسم برای آزاد کردن خودش از آسیب‌هایی است که موجب بیماری شده‌اند.

اگر صلح می‌خواهید آماده جنگ شوید. ستیزه تنها میان اضداد را بر طرف می‌کند. هیچ نهایي و سرشت ستیزه، صلح و سنتر عاصری است که هم بر ضد هم کار می‌کنند و هم به نفع یکدیگر. هنگامی این سرشت به روشنی نمایان می‌شود که بفهمیم هر دو فرم رابطه-مخالف و موافق-اساساً متمایز از بی تفاوتی افراد و گروه‌هاست. بی تفاوتی خواه به معنای رد کردن و خواه خاتمه‌یافتن جامعه زیستی باشد، به‌طور مطلق منفی است. ستیزه در برابر چنین نفی مطلق دارای وجوه مثبتی است. شست و چوجه مثبت و منفی آن هر چه که می‌خواهد باشد، درهم آمیخته است و حتی اگر بتوان آنها را از لحاظ مفهومی از هم جدا کرد اما در حیطه عمل و تجربه این کار امکان‌پذیر نخواهد بود.



زیمِل در مورد انواع مبادلات اجتماعی مقالات متعددی دارد. وی بیان می‌کند که در میان تمامی مبادله‌های اجتماعی موجود تنها مبادله اقتصادی است که الگویی کاملاً متفاوت از بقیه دارد زیرا متضمن مفهوم فاکنردن است. هنگامی که به کسی عشق می‌ورزیم انرژی‌ای را آزاد می‌کنیم که اگر طرف مقابلمان حضور نداشت نمی‌تدشیم با این انرژی چه باید کنیم. هنگامی که به بحث می‌نشینیم و موضوعات عقلانی را مطرح می‌کنیم آن موضوعات تقلیل نمی‌یابند. اگر این در مورد عقاید و باورهایمان صحبت کنیم شناخت و مالکیت‌مان نسبت به خودمان کاهش نمی‌یابد. در چنین مبادله‌ای سهم هر فرد فراسوی ملاحظات سود و زیان قرار می‌گیرد. اما در مبادله اقتصادی خواه با در نظر گرفتن ابژه‌های کار، خواه با در نظر گرفتن نیروی کاری که در ابژه‌ها ذخیره شده، زمینه همواره مستلزم فاکنردن چیزی است که کار کرده‌ای بالقوه دیگری نیز می‌تواند داشته باشد. اگر چه صرف فایده‌گرایی ممکن است در تحلیل نهایي غالب شود. بحث در مورد سنخ‌های اجتماعی (غریبه، فقیر، خسیس، ولخرج، ماجراجو و اشرافی) و همچنین تقلیل و تعامل فردیت در ساختارهای اجتماعی (رشد فردیت، گسترش گروه، مد، زندگی روحی در کالشر، فرمانبرداری و رضایت شخصی) یکی از نقاط قوت زیمِل است.

❧ **تازه‌های نشر**

امپراتوری فراموش‌شده

جواد لکزیان: کتاب «امپراتوری فراموش‌شده» با تصاویر زیبا و نوشته‌هایی ارزشمند، سفری دلپذیر به عهد هخامنشیان دارد. با مطالعه کتاب به ۵۵۰ قبل از میلاد می‌رویم تا درباره هنر، صنعت، آیین کشورداری، مذهب، آداب و رسوم و زندگی ایرانیان باستان بیشتر بدانیم. عکس‌هایی بی‌نظیر از اشیای باستانی روزگار هخامنشی که در موزه ملی ایران، موزه بریتانیا و موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود و به همت موزه بریتانیا در سال ۲۰۰۵ در یک‌جا گرد آورده و به نمایش گذاشته شد، خواندن این کتاب را با حصر بدرمی‌آمیزد. کتاب شامل ۱۲ فصل و یک ضمیمه است: فصل اول: تاریخ شاهنشاهی پارسیان ۳۳۰-۵۵۰ ق. م. نوشته بی‌بر بریان؛ فصل دوم: زبان‌ها و کتیبه‌های دوره هخامنشی، از متیو استولپر؛ فصل سوم: رمزگشایی خط میخی هخامنشی، از اروینگ فینکل؛ فصل چهارم: باستان‌شناسی دوران هخامنشی و فصل پنجم: کاخ‌های هخامنشی، از جان کرتیس (بخش مصر، اثر نیل اسپنسر)، فصل اول تا پنجم با ترجمه فرخ مستوفی؛ فصل ششم: سفره شاهانه، جان سیمپسون، ترجمه مریم درخشان و ... ضمیمه: «جانوران دوران هخامنشی» را هم فرخ مستوفی نوشته است. این کتاب به کوشش فرخ مستوفی به فارسی برگردانده شده و کتاب آمه را در ۲۷۲ صفحه و با بهای ۷۵۰۰۰ تومان رهسپار بازار کتاب کرده است.